بسم الله الرحمن الرحیم

سه نکته است که بنا داریم در خصوص آن گفتگو کنیم که هر سه مورد آن نیاز به دقت و تعمق دارد. نکته اول آن را با یک مثال خدمت تان عرض کردم. گفتم که اگر فرض کنید من دچار گلو درد شده باشم و قرص آموکسی سیلین می خورم، بعد از یک هفته حالم خوب می شود. اگر یک دکتر داروساز هم عین مریضی مرا گرفته باشد، او هم بخورد، آیا او چون دکتر داروساز است، زودتر خوب می شود؟ حتما جواب می دهید: خیر؛ فرقی نمی کند، فقط او خوب می داند چه اتفاقی می افتد. او این کپسول را می خورد و می گوید که الان کپسول وارد معده من شد. بیست دقیقه بعد پوسته اش باز می شود، حالا آن ماده جذب معده من می شود. مثلا تا حدود یک ساعت بعد چون از طریق معده وارد خونم می شود، در بدنم شروع می کند با ویروس ها و میکروب ها جنگیدن، لذا دمای بدن به اندازه نیم درجه، یک درجه بالا می رود. بعد مثلا بدن به کمک آن دارو غلبه می کند، شش ساعت بعد می داند دوباره تمام این مراحل تکرار می شود. او و من که نمی دانم هر دو خوب می شویم. این خاصیتی است که خدای متعال در آن ماده شیمیایی قرار داده است. فقط من نمی دانم چه اتفاقی می افتد و او خوب می داند چه اتفاقی می افتد ولی جفت مان مثل هم خوب می شویم. عین این خاصیت را خدای متعال در بسیاری از ادعیه و اذکار و اوراد گذاشته است. یعنی ممکن است آن کسی که اهل فن است، اهل ورد است، اهل ذکر است، اهل چله نشینی است، مثلا اهل طلسم است، ممکن است او خوب بداند چه دلیلی دارد که این جمله را بعد از این جمله بیان می کنیم. چون این خاصیت در آن پیدا می شود. او می داند ولی من نمی دانم. ولی چه من که نمی دانم چه او که می داند، وقتی هر دو این ذکر و این ورد را استفاده می کنیم، این دعا را می خوانیم، این چله را می نشینیم، در آن خاصیت هست. البته چون او می داند، راه را راحت تر می رود و من چون نمی دانم، باید اعتماد به غیب کنم. درست است؟!

حدیثی hست که در صفحه ۲۲۱ مقاتل بن مقاتل نقل شده است. نقل می کند از امام رضا علیه السلام؛ **«قال ابوالحسن الرضا (علیه السلام)ای شی تقول فی قنوت صلوه الجمعه؟»** شماها در قنوت نماز ظهر جمعه چه می گویید؟ **«قلت ما یقول الناس»**. گفت: هرچه که مردم می گویند، ما هم همین را می گوییم. حضرت فرمود: **«لا تقل کما یقولون»**، آن جوری که مردم می گویند، شما نگویید. جایگاه مقاتل جایگاه ویژه ای است. تقریبا هر امامی یک صاحب رایت دارد. هر امامی چند تن از اوتاد دارد. هر امامی یک باب دارد. مثلا باب امیرالمؤمنین علیه السلام جناب سلمان بود، بعد از سلمان، جناب مالک اشتر بود یا مثلا باب و پرچم دار و صاحب رایت امام مجتبی علیه السلام سفیان بن ابی لیلی بود. باب امام حسین علیه السلام، وجود مقدس حضرت ابالفضل علیه السلام است. باب امام رضا علیه السلام جناب اباصلت است. تعدادی از اصحاب هستند که اینها را اوتاد می گویند که نوعا هم هفت نفر هستند. مقاتل هم جزء اوتاد است، او از اوتاد امام رضا علیه السلام است. یعنی وقتی به او این راز را می گویند، این رازی که الان با هم گفتگو خواهیم کرد، وقتی این «سر» را به او می گویند، اهلیت دارد. وقتی می پرسد که شما در قنوت نماز ظهر جمعه تان چه می گویید، عرضه می دارد که آقا همین که بقیه مردم می گویند.

حضرت می فرمایند: نه! شماها این را نگویید. شما این را بگوئید. **«قل ولکن لا تقل کما یقولون»** آن طور که مردم می گویند، نگویید. **«ولکن قل»** بلکه شماها اینطور بگویید: **«اللهم اصلح عبدک و خلیفتک بما اصلحت به انبیائک و رسلک ...»** الی آخر. این را در قنوت نماز ظهر جمعه می گویید. حالا چرا قنوت نماز ظهر جمعه؟ روز شرعی از اذان مغرب هر روز قبلی اش است. مثلا فرض کنید از اذان مغرب که حدود ۴ ساعت پیش بود، روز جمعه شرعی شروع شده. یعنی ما الان به لحاظ شرعی در روز جمعه به سر می بریم. تا کی؟ تا اذان مغرب فردا. هر روز شرعی از اذان مغرب روز قبل تا ۲۴ ساعت، یعنی اذان مغرب روز بعد است. ما الان در روز جمعه هستیم. ۴ ساعت است که وارد روز جمعه شده ایم. در روز جمعه یک اتفاقی در عالم طبیعت می افتد که نیاز به آیه و روایت ندارد. الان می گویم و شما تصدیق می کنید. از مرحوم سید ابن طاووس که ارتباط خاصی با ساحت مقدس امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف دارد، دعایی مخصوص روز جمعه نقل کرده است. او به آقا عرضه می دارد: **«هذا یوم الجمعه و هو یومک المتوقع فیه ظهورک»**. این المتوقع فیه ظهورک یعنی جمعه قبول اثر ظهور شما را می کند. مثل تجسم. مثل تمارض. تمارض خود را به مریضی زدن است دیگر، قبول اثر مریضی کردن است. تأثیر مریضی را در خود ظاهر کردن است. توقع ظهور یا آن چیزی که در جمعه متوقع می شود. یعنی جمعه قبول اثر واقعیت ظهور را می کند. شب جمعه تا ظهر جمعه همه چیز رنگ و بوی دیگری می گیرد. میهمانی رفتن، استخر رفتن، والیبال رفتن، فوتبال رفتن، خانه

تکانی کردن، هرکاری از شب جمعه تا ظهر جمعه جور دیگری است و حال دیگری دارد. اما درست بعد از ظهر جمعه انگار این ورق به هم پیچیده می شود. همه چیز دلگیر می شود. شما شب جمعه، صبح جمعه به فوتبال بروید، عصر هم به فوتبال بروید. زمین تا آسمان فرق می کند. شب جمعه و صبح جمعه به میهمانی بروید، عصر جمعه هم به میهمانی بروید. حال و هوای دیگری دارد. علتش را این فرموده اند که خدای متعال از این پرده های غیبتی که حجت خدا ظاهر نیست، مثلا اگر صد پرده غیبت است، ۴ یا ۵ تا را برمی دارد. جمعه قبول اثر وقوع ظهور می کند. چون این را هم بدانیم که قیام یک چیز است و ظهور چیز دیگری است. ظهور واقع می شود. در یک فرایندی که از مجموع روایت می توان فهمید که تقریبا ۶ ماه طول می کشد. امام ظاهر شده اما قیام هنوز اتفاق نیفتاده است. یک وقفه ۶ ماهه ای این وسط است که در این ۶ ماه آن ۳۱۳ نفر، بلکه آن هزارتا و به روایتی آن ۱۰ هزار نفر می دانند که امام ظاهر شده است. حتی می روند و به دست بوس حضرت شرفیاب می شوند. ظهور یک چیز است و قیام یک چیز دیگر. در جمعه قبول اثر ظهور می شود. یعنی از آن صد پرده غیبت، خدا ده تا یا پنج تا را برمی دارد. لذا همه چیز حال و هوای دیگر و رنگ و بوی دیگری دارد. یک مزه دیگری دارد.

به ظهر جمعه که می رسد، ظهور واقع نمی شود، درست از ظهر جمعه به بعد، خدا آن ۵ یا ده تایی را برداشته بود، دوباره سر جایش می گذارد. لذا واقعا هرکاری صبح تا ظهر جمعه مزه ای دارد، از ظهر جمعه به بعد تا عصر جمعه، به خصوص عصر جمعه، حالت دلگیری دارد که هیچ چیزی مزه نمی دهد. همه چیز صبح جمعه و شب جمعه بامزه است، عصر جمعه بی مزه می شود، حالگیر می شود. امام رضا علیه‌السلام می فرماید در قنوت نماز ظهر جمعه تان که دیگر آخرین لحظاتی است که شیعه می تواند کاری کند، دیگر این آخرین لحظات و آخرین فرصت ها است. در نماز هم که قرار است معراج باشد، در نماز هم که قرار است به ازای هر نماز مؤمنی، لااقل یک دعای مستجاب داشته باشد و بهترین محل برای آن دعای مستجاب در قنوت نماز است، امام می فرماید که قنوت نماز ظهر جمعه به عنوان آخرین فرصتی که یک شیعه دارد که اگر از دست برود، باید تا یک هفته منتظر بماند تا دوباره هفته دیگر جمعه شود. در قنوت تان این را بخوانید: **«اللهم اصلح عبدک و خلیفتک»** خدایا! اصلاح کن کار عبد و خلیفه ات را؛ **«بما اصلحت به انبیائک و رسلک»** با همان مکانیزمی که انبیای پیشین و رسل پیشین را اصلاح کردی، با همان مکانیزم، خیلی خودمانی بگوییم مثلا اگر یک آچاری وجود دارد که با آن، با همان آچار فرانسه ای، با همان آچاری که گره از کار انبیا و رسل پیشین گشودی، با همان گره از کار عبد و خلیفه ات بگشای. پس امام رضا علیه‌السلام یک کلید فعلا دست ما داده اند که در قنوت نماز ظهر جمعه، خدا را التماس کن که با مکانیزمی که کار انبیا و رسل پیشین را اصلاح کردی، کار عبد و خلیفه ات را با همان مکانیزم اصلاح کن. حالا باید دنبال مکانیزم بگردیم. با همان مکانیزم کار این عبد و خلیفه ات را اصلاح کن. **«و حفّه بملائکتک و ایّده بروح القدس من عندک و اسلکه من بین یدیه و من خلفه رصدا یحفظونه من کل سوء و ابدله من بعد خوفه امنا»** تک تک این عبارات ناظر به وجود مقدس امام عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف است که امنیت بعد از خوف، **«لا یشرک بک شیئا و لا تجعل لاحد من خلقک علی ولیک سلطانا و أذن له فی جهاد عدوک و عدوّه و اجعلنی من انصاره انّک علی کلّ شیء قدیر»**. حضرت می فرمایند: شماها در قنوت نماز ظهر جمعه تان این را بخوانید، شما خواص این را بخوانید. حالا آن مکانیزمی که خدا به آن مکانیزم کار انبیا و رسل پیشین را اصلاح کرده، آن مکانیزم چیست؟

این مکانیزم را اگر بتوانیم پیدا کنیم، خدای متعال را قسم می دهیم به آن مکانیزم. برمی گردیم به یک روایت که اگر عمیق تر به کل روایت نگاه کنیم، مربوط به ابتدای خلقت است. خدای متعال اراده کرده که ملائکه را مورد ابتلا و آزمایش قرار بدهد **«فلمّا اراد الله آن یبلو الملائکه ارسل علیهم سحابا من ظلمه و کانت الملائکه لا تنظر اولها من آخرها و لا آخرها من اوّلها»** خدای متعال ملائکه را به ظلمتی دچار کرد. اگر بخواهیم از این ظلمت حس بگیرید، باید یک لحظه واقعا مثل هنرپیشه ها حس بگیرید. وقتی که شب منزل رفتید، خواستید بخوابید، همه جا ساکت است. فکر کنید، فکر کنید که برای لحظاتی خدا چشم شما را از شما بگیرد، یعنی چیزی را نتوانید ببینید، بعد گوش تان را هم از شما بگیرد، چیزی هم نتوانید بشنوید، بعد هم زمان خدای متعال بویایی را هم از شما بگیرد، بو را هم حس نکنید، چشایی را هم از شما بگیرد، لامسه را هم از شما بگیرد، همه اینها را می گیرد اما حافظه را هنوز از شما نگرفته است. یعنی شما صوت ها را به خاطر می آورید، اما الان دیگر صوتی نمی شنوید. مزه ها را به خاطر می آورید اما دیگر هیچ مزه ای نمی چشید. حس لامسه ندارید، دست را به هر چه می زنید، حسی ندارد. مثل بعضی وقت ها که دست تان خواب می رود، زبری و غیرزبری را حس نمی کنید.

فرض کنید لامسه برود، چشایی برود، بویایی برود، شنوایی برود، بینایی برود. این حس قدری آن ظلمت را تداعی می کند. در خلوت خودتان یک لحظه به خودتان بیایید. شما هستید. می توانید به خودتان، به ضمیر انا، به ضمیر من اشاره کنید. اما منی که نه می بیند، نه می شنود، نه چشایی دارد، نه لامسه، هیچ نوع از ادراکات را ندارد. این حس شبیه ترین حسی است که می شود ظلمت را به آن تشبیه کرد. باز این ظلمت مطلق نیست، چون شما هنوز حافظه دارید. ملائکه دچار ظلمت شدند. یعنی انواع ادراکاتشان از آنها گرفته شد. افتادند در دریای ظلمت. آنجا خدایشان را صدا کردند. «**فقالت الملائکه: إلهنا و سیّدنا! منذ خلقتنا ما رأینا مثل ما نحن فیه!**» از آن وقتی که ما را خلق کردی، به چنین مصیبتی گرفتار نشده بودیم. این اتفاقی که الان برای ما افتاده است، اصلا تجربه اش را نداشتیم. «**فنسألک بحقّ هذه الأنوار إلاّ ما کشفت عنّا، فقال اللّه عزّ و جلّ: و عزّتی و جلالی لأفعلنّ**». خدا را قسم دادند که این وضعیت را از ما بردار. خداوند هم قسم خورد به عزت و جلالش که این کار را می کنم، یعنی شما را از این وضعیت نجات می دهم. «**فخلق نور فاطمه الزهرا**». این جا بود که خداوند متعال نور فاطمه زهرا علیها السلام را خلق فرمود. «**و علّقه فی قرط العرش**».

حالا همین قدر بدانیم که عرش، ساحت علمی خدای متعال است. جنس عرش، جنس علم است. جنسش، جنس نور است. این قسمت را توجه کنید. اینجا جای حساسش هست که باید توجه کنید. «**فزهرت السماوات السبع، و الأرضون السبع، و من أجل ذلک سمّیت فاطمه «الزهراء»**». این جا بود که خدای متعال ظلمتی که برای ملائکه حاصل شده بود را برداشت و برای ملائکه روشن کرد آسمان های هفت گانه و زمین های هفت گانه را. (در روایات دیگر کامل تر آمده است) به همین دلیل حضرت فاطمه علیها السلام لقبی گرفت به نام «الزهرا». زهرا در فارسی به عنوان درخشنده، روشن کننده. خوشبختانه این روایت در منابع غیر شیعی هم هست، چون راوی آن سلمان است. از عباس بن عبدالمطلب هم نقل می کند. عباس به دلیل این که جد خلفای بنی عباس است، حرمت و احترامی آن جا داشته است، لذا روایاتی که به عبدالله بن عباس می رسد یا به خود عباس می رسد، خیلی مورد احترام طائفه بنی عباس است. جناب سلمان هم از نظر منابع ما شیعیان جایگاه ویژه ای دارد. یک دعا داریم در تعقیبات نمازها. خدا را قسم می دهیم، «**اَللّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ بِنُورِ وَجْهِکَ اَلْمُشْرِقِ اَلحَی اَلْبَاقِی اَلْکَرِیمِ وَ أَسْأَلُکَ بِنُورِ وَجْهِکَ اَلْقُدُّوسِ**»، به یک نور وجهی خدا را قسم می دهیم که «**اَلَّذِی أَشْرَقَتْ بِهِ اَلسَّمَاوَاتُ وَ اَلْأَرَضُونَ وَ اِنْکَشَفَتْ بِهِ اَلظُّلُمَاتُ وَ صَلَحَ عَلَیْهِ أَمْرُ اَلْأَوَّلِینَ وَ اَلآخِرِینَ**». خداوند وجه دارد. آن جا که می فرماید **کُلُّ مَن عَلیها فان**، همه چیز فانی می شوند. چه چیزی باقی می ماند؟ «**یَبقی وَجهُ رَبِّک**». این وجه ربّی است که باقی می ماند. این وجه رب نوری دارد. این نور وجه رب هر کدام یک شأنی دارند. یک نور وجهی هست که به آن نور وجه هم اشراق شده است **بسماوات و ارضون و هم صَلَحَ عَلَیْهِ أَمْاَلْأَوَّلِینَ وَ اَلآخِرِینَ**. یک نور وجهی هست که به آن نور وجه هم آسمان ها و زمین روشن شده است و هم امر اولین و آخرین اصلاح شده است. هرکس از اولین و آخرین امرش اصلاح شده، به آن نور وجه اصلاح شده است.

ما از این نور وجه، یک آدرس داریم. نوری بود که به وسیله آن آسمان ها و زمین روشن شد. آن نور چه کسی بود؟ فاطمه زهرا علیها السلام. به فاطمه زهرا علیها السلام آسمان ها و زمین اشراق شد. **من أجل ذلک سمّیت فاطمه**، «الزهراء». به همین دلیل بود که فاطمه، زهرا علیها السلام هم نامیده شد. این جا خدای متعال را به آن نور وجهش قسم می دهیم. یا به عنوان مثال فرض کنید در نجاح السائل، صفحه ۲۳۶ دارد که بعد از دو رکعت نمازی که آنجا می خوانیم، می گوییم: «**وَ اَسئَلُکَ بنُورِ وَجهِکَ القُدوس اَلّذی اَشرَقَت لَهُ السَّماوات و الاَرَضون وَصَلُح عَلَیهِ اَمرُ الاَوَلینَ وَ الاخَرین**». این دو مورد در لسان روایات همواره با هم آمده است که نور وجهی، اشراق شده است به آسمانها و زمین که این فاطمه زهرا علیها السلام است و به او امر اولین و الاخرین اصلاح شده است. از مجموع این دو روایت، نزدیک ترین برداشتی که می شود این است که خدای متعال شأنی برای وجود مقدس فاطمه زهرا علیها السلام قرار داده است. در جای دیگر، در علل الشرایع، عمر بن شمر عن جابر عن ابی عبدالله علیه السلام قالَ: «**قُلتَ لِمَ سُمیَ فاطمه الزهراءِ زهراءُ؟ فَقالَ لِاَنَّ اللهَ عَزَوَجَلَ خَلَقَهَا مِن النُورِ عَظَمَتِهِ فَلَّما اَشرَقَت اَضاعَه السَماواتُ وَ الاَرضِ بِنُورِها**». یعنی که به نور وجود مقدس فاطمه زهرا علیها السلام اضاعه نور بر آسمانها و زمین اشراق می شود. این مطلب چند جا آورده شده است. شما التماس می کنید خدایا تو را به نور وجهی قسم می دهم که کارش این است که به آسمانها و زمین اشراق می کند و صلح علیه امر الاولین و الاخرین.

این دو در کنار هم انسان را به آنجا می رساند که آن کسی که به وجود مبارکه آن حضرت، امر انبیا و رسل پیشین و امم اولین اصلاح شد، امر اصلاح کار آخرین نیز بدست اوست. جنسش، جنس «**فُطِمَ عَن مَعرِفَتِها عَنِ النّاس**» است. جنس او، جنس سنخ خدای متعال است. جنس او، جنسی است که بر همه دست نداشتند، بلکه بر هر کسی که عنایت کنند، به او فهم معرفتش را عنایت می کنند. باز از

نمونه های این مدل، این آیه قرآن است که می فرماید: «لَکُم فی رَسُولِ اللهِ اُسوَه الحَسَنَه». روایتی در بحار است با این مضمون که امام عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف می فرماید: «لی فی ابنت رسول الله اسوه الحسنه». اسوه من مادرم فاطمه زهرا علیها‌السلام است.

خلاصه امام رضا علیه‌السلام، شبیه همان قرصی که عرض کردم نمی دانم چه اتفاقی می افتد ولی می دانم که مصرف کنم، بهبود می یابم ولی دکتر می داند که این قرص چه اثراتی دارد، لذا مصرف می کند تا بهبود یابد؛ به شیعیانشان یاد می دهند که خدا را به یک اسمی و یک حقیقتی بخوانید که اصلاح گر امر انبیا و رسل پیشین بوده است که آن حقیقت، مرحمت و عنایت کنند و منت گذارند و امر غیبت را تمام کنند. اصلاح کنند امر عبد و خلیفه ای که اگر اصلاح اتفاق افتد، تأیید به روح القدس، جهاد با عدو و تمام آن مواردی که در دعا هست، اتفاق می افتد.

حال برگردیم به دعای عهد که شما فقرات آن را به یاد دارید. در همان فقرات اولیه دعا می خوانیم «اللهمَّ انّی اسئلک بوجهک الکَریم وَ بنورِ وَجهِکَ المُنیر وَ مُلکِکَ القَدیمِ یا حَیُّ یا قَیُّومُ أَسأَلُکَ بِاسمِکَ الَّذی أَشرَقَت بِهِ السَّماواتُ وَ الأَرضُون» خدایا التماست می کنم به همان اسمت که به آن «أَشرَقَت بِهِ السَّماواتُ وَ الأَرضُون» و «بِاسمِکَ الَّذی یَصلَحُ بِهِ الأَوَّلُونَ وَ الآخِرون». کجا این را می گویی؟ در دعای عهد. در دعای عهد قرار است چه کار کنی؟ دعای عهد دعایی است که ان شاءالله ۴۰ روز می خوانی. زنده باشی، امام عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف تشریف بیاورند، در خدمتشان هستی. مرده هم باشی، امام تشریف بیاورند، تو را از قبر در می آورند. باز این از آن کلیدهاست. از آن قرص هاست که می خوری و نمی دانی چه اتفاقی می افتد. ۴۰ روز در امر فرج مولایمان امام عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف، خدا را به اسمی که «أَشرَقَت بِهِ السَّماواتُ وَ الأَرضُون» التماس می کنیم. این اسم، کدام اسم بود؟ فاطمه زهرا علیها‌السلام. لذا بزرگان ما، از مرحوم استاد بزرگ، سؤال کرده بودند: حالا که امر فرج امام عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف به دست وجود مقدّس فاطمه زهرا علیها‌السلام است، ما چه کاری می توانیم انجام دهیم؟

ایشان چهار مورد گفته بودند که یکی از آنها، اهتمام به عزاداری فاطمیه بود. عین این سؤال را حدود بیست و سه سال بعد، یکی، دو سال مانده به فوت آقای بهجت، فرد دیگری به یک واسطه، از آقای بهجت پرسیدند. آقای بهجت می فرمایند: اولاً تو این را از کجا فهمیدی؟ اگر کسی این را بفهمد، همه چیز را فهمیده است که امر فرج امام عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف به دست همان وجود مقدسه ای است که اصلاح امر اولین و آخرین به دست او است. ایشان هم چهار مورد گفته بود. سه مورد با مواردی که آن بزرگوار اولی، فرموده بودند، مشترک بود. یکی از مشترکات هم، همین مورد، یعنی اهتمام به عزاداری فاطمیه بود. کم کم آدم متوجه می شود بین مراجع، فردی که بیشتر از همه امام زمانی است و یقه برای امام زمان پاره می کند، آقای وحید است. آقای وحید هم بیشتر از همه تأکید دارند بر اینکه دسته عزاداری برپا کنید. پیرمرد با این سن، پای برهنه می آید و در دسته عزاداری فاطمیه می ایستد. در این وضعیت که اصلاح این جایگاه را دارد، آنهایی که کارشان اصلاح می شود، اسمشان چیست؟ صالح. حضرت ابراهیم علیه‌السلام همه امتحانات را می دهد، از مقام نبوت به مقام امامت ترفیع مقام پیدا می کند، همه کارهایش را می کند. نهایتاً وقتی که کارهایش تمام می شود، می فرماید: «رَبِّ هَب لی حُکماً وَ اَلحِقنِی بِالصّالِحین» (شعراء/۸۳).

(همین قدر توضیح می دهم. چون بحث منبری است و گفتگوی علمی نیست. گفتگوی علمی این بحث، کار می برد). صالحین کسانی هستند که دستشان به ریشه های چادر حضرت زهرا علیها‌السلام رسیده است. آنهایی که دستشان به ریشه های چادر خانم رسیده است، در تیم صالحین جای گرفته اند. چون هر کس کارش اصلاح شده، به نور وجهی اصلاح شده که وظیفه یا کارکردش این بوده است که «اشرقت به السماوات و الارضون و صلح علیه امر الاولین و الآخرین». کسانی که صالح شدند، کسانی هستند که خانم عنایت کرده و اجازه داده تا ریشه های چادر ایشان را چنگ بزنند. ابراهیم علیه‌السلام کارش تمام می شود، با همه امتحانات سختش به مقام امامت هم می رسد. بعد آنجا می خواهد اعلام کند که دیگر کار من نیست. یعنی این حوزه بعدی، حوزه ای است با عمل و امتحان دادن. جایگاه پروازی ما نیست، مگر اینکه خدایا تو کمک کنی. می گوید تو الحاق کن من را، مرا ملحق کن، من به عرضه خودم، به زور خودم بخواهم تلاش کنم، این نشدنی است. خدایا عنایت کن. رب هب لی حکما و الحقنی بالصالحین. سوره یوسف، آیه ۱۰۱ از قول یوسف علیه‌السلام می گوید: «رب قد اتیتنی من الملک و علمتنی من تأویل الاحادیث». آن وقتی است که یوسف علیه‌السلام از زندان نجات پیدا کرده، از چاه نجات پیدا کرده، می گوید خدایا به من ملک دادی، سلطنت هم دادی. قد اتیتنی من الملک به من ملک و سلطنت دادی. و علمتنی من تأویل الاحادیث به من تعبیر خواب دادی که به کمک آن تعبیر به این سلطنت و جایگاه رسیدم. «انت ولیی فی الدنیا و الاخره» تو سرپرست و صاحب اختیار من در دنیا و آخرتی. «توفنی مسلما» من را مسلمان بمیران «و الحقنی بالصالحین» من را به صالحین ملحق کن.

صالحین این جایگاه را دارند. حالا نگاه کنید، شما می روید نسبت به امام تان عرضه می کنید : «السلام علیک یا اباصالح». هر کس کارش به آنجا کشید که جزء صالحین شد، امام عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف برای او شأن پدری دارد و به «ابوت» امام عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف است. در سایه سار آقایی، مهربانی و همراهی ایشان است. مثل تاتی تاتی کردن یک بچه. پدرش چه می کند؟! همه کاری. قدم به قدم دستش را می گیرد، قدم به قدم، در همه چیزش، در لباسش، در خوراکش، در دوستانش، در پوشاکش، در راه رفتنش، در تربیتش، در نگاه کردنش، در مسواک زدنش، در غذا خوردنش. پدر به همه شئونات فرزندش کار دارد. پدر به همه کار بچه اش کار دارد. اگر کسی بخواهد برای کسی پدری کند، به همه شئون زندگی اش کار دارد. امام عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف پدری کرده، نسبت به آن کسانی که در تیم صالحین جای گرفته اند. آنهایی که در تیم صالحین جای گرفته اند، آن کسانی هستند که این فرصت را پیدا کرده اند، این سعادت را پیدا کرده اند، اجازه پیدا کرده اند، دست شان به ریشه های چادر خانم وصل شده است. ما امروز در جایگاه آخرالزمانی که قرار گرفته ایم. اگر بتوانیم کاری برای ظهور امام عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف، برای خشنودی قلب مبارک شان، برای تسلای قلب مبارک شان انجام بدهیم، این است که تا می توانیم به عزاداری فاطمیه اهتمام کنیم. به عنوان جمعی از خدمتگزارانی که داخل مشهد، داخل تهران، داخل ایران، خارج ایران. روی سخن ما با خدمتگزارهاست.

بدانید که امام عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف علاقه شدیدی به مادرشان فاطمه زهرا علیهاالسلام دارند. ادبیات من، ادبیات خودمانی است. شما برداشت خارج از ادب از صحبت هایم نکنید. فقط می خواهم احساسم را منتقل کنم. دیدید بعضی از بچه ها بابایی اند، بعض از بچه ها هم مامانی هستند. به نظر من امام عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف مامانی هستند. امام عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف فاطمی هستند. امام عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف علاقه شدیدی به مادرشان، فاطمه زهرا علیهاالسلام دارند. هر کسی که می خواهد با کمترین زحمت، بیشترین تقرب را به ساحت مقدس امام عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف پیدا کند، تا آن جایی که می تواند برای فاطمیه وقت بگذارد، کار کند، مجلس بگیرد، در مجالس خدمت کند، مردم را جمع کند، مردم را هوشیار کند، کمک کند. اگر می خواهید به عنوان دوست ویژه امام عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف در آغوش ایشان جا بگیرید؛ اگر می خواهید به آن اسراری از معارف که از قلب مقدس امام عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف جریان پیدا می کند، به شما هم بهره ای برسد، تا می توانید برای فاطمیه همت کنید. من به خواص از دوستان عرض کردم که اگر امر اینگونه دائر شد که من فقط این ۱۰۰ هزار تومان را دارم، آن را برای فاطمیه خرج کنم یا محرم؟ جوابش این است: بلاشک فاطمیه. این را برای دوستان خاص عرض می کنم. برای شما که در تیم خدمتگزاران هستید، عرض می کنم. برای تمامی خدمتگزاران عرض می کنم. این برای عموم جامعه نیست. اگر صد هزار تومان دارید یا اگر همین ساعت را وقت دارید، قطعا خرج فاطمیه کنید. هم در تأثیراتش، هم در اصلاح نظام کلی عالم که به دست وجود مقدسه بانوی دو سرا است، هم در اینکه امام عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف علاقه شدید و بی مانندی به ساحت مقدس فاطمی دارند. ان شاءالله به عنایت امام رضا علیه‌السلام.

وقتی می گوییم به عنایت امام رضا علیه‌السلام، یعنی بین ائمه علیهم‌السلام یک امام است که این راز را شکفته کرده است. امام رضا علیه‌السلام با این بیانی که برای مقاتل فرمودند، پرده را از این راز کنار زدند که امر ظهور امام کجاست؟ آچار و کلید آن کجاست؟ چون امام این را باز کردند، به عنایت امام رضا علیه‌السلام. این شأن، شأن الهی است که برای امام رضا علیه‌السلام قرار داده شده است. یعنی اگر امام رضا علیه‌السلام یک پرده از این ماجرای غیر مخفی را کنار زنند، این جایگاه را دارند که پرده های دیگر را هم کنار بزنند. امام این جایگاه را پیدا کردند. مانند امام کاظم علیه‌السلام که رفع گرفتاری می کنند، یکی از شئون امام رضا علیه‌السلام این است که پرده های غیبت امام عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف را اجازه دارند کنار بزنند و آن را به خواص از دوستانشان بگویند و برسانند.

این که امشب سهمیه ما شد که چنین گفتگویی کنیم، به خاطر خدماتی است که شما برای فاطمیه انجام دادید. چه پارسال که احسنت به شما و چه امسال که مشخص است از پارسال بیشتر نباشد، کمتر نیست. من روسیاه هم چیزی که از اساتیدم یاد گرفتم، مثل یک نوار ضبط صوت برایتان بیان کردم. به قول مرحوم استاد ما که رحمت و رضوان خدا بر او باد، می فرمود این ضبط صوت ها، ضبط صوت پلاستیکی و آهنی است. من ضبط صوت گوشتی هستم. ما به عنوان ضبط صوت گوشتی، آنچه که از اساتیدمان یاد گرفته بودیم، گفتیم. ان شاءالله به مدد امام رضا علیه‌السلام نور و معرفتش و فهمش به قلب شما تابانده شود. صدقه سر شما، من روسیاه هم برخوردار شوم. خداوند شما را موفق بدارد که در پایان فاطمیه امسال، ان شاءالله به گوش جانتان بشنوید که امام عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف از شما بابت زحماتی که کشیدید، قدردانی کنند. ان شاءالله به بیان ملکوتی خود حضرت در گوش واقعی شما بشنوید که انصرفوا و نازلکم رحمکم الله. خدای متعال به همه شما بیشترین توفیقات را در عزاداری و پاسداشت ایام فاطمیه عنایت بفرماید.